

مقایسه و تحلیل ساختارروایی داستان-های دفاع مقدس بر اساس نظریه ژرار ژنت (با تکیه بر دو داستان اسیر زمان و دشتبان)

زهرا اسدپور^۱، سید علی سهراب نژاد^۲، امیدوار عالی محمودی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: seyedali.sohrabnejhad@yahoo.com

چکیده

ادبیات متعهد به مانند آینه ای کنش و تأثیر متقابل ادبیات و جامعه بر یکدیگر را بازتاب می نماید. از آنجا که انقلاب اسلامی ادبیات انقلاب اسلامی را رقم می زند. هشت سال ایستادگی مردم ایران نیز ادبیات دفاع مقدس را در روزهای جنگ تبیین می نماید. به طوری که با شروع جنگ، ادبیات داستانی جنگ نمود یافت. بنابراین، هدف از این پژوهش ادبی آن است که نگرش دو نویسنده مورد مطالعه، بر اساس مؤلفه‌های ساختارگرایانه ژرار ژنت در داستان اسیر زمان و دشتبان مورد مقایسه، تحلیل و کنکاش قرار گیرد. این امر با بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر دو رمان اگر چه در فضا و مکانی متفاوت نوشته شده‌اند، اما هر دو رمان بر اسلوب نوشتاری واقع‌گرا و بر پایه پنج مؤلفه ساختارروایی ژرار ژنت یعنی: نظم و ترتیب، تداوم روایت، وجه/حالت و لحن/ صدا استوارند. اگر چه در نگاه و زاویه دید هر دو نویسنده تفاوتی دیده شده است. اما در نهایت هر دو نویسنده از نظر الگوی ساختاری در راستای مفاهیم جنگ و دفاع مقدس بر محوریت سه مؤلفه ساختارروایی مقدمه جنگ، بدنه جنگ و پیامدهای جنگ تمرکز داشته‌اند.

کلیدواژگان: ادبیات داستانی، دفاع مقدس، ساختارگرایی، ژرار ژنت، اسیر زمان، دشتبان.



شیوه استناددهی: اسدپور، زهرا، سهراب نژاد، سید علی، و عالی محمودی، امیدوار. (۱۴۰۶). مقایسه و تحلیل ساختارروایی داستان‌های دفاع مقدس بر اساس نظریه ژرار ژنت (با تکیه بر دو داستان اسیر زمان و دشتبان). گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۵(۲)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۲ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

The Treasury of Persian Language and Literature

Comparison and Analysis of the Narrative Structure of Sacred Defense Stories Based on Gérard Genette's Theory: With Emphasis on Asir-e Zaman and Dashtban

Zahra Asadpur¹, Seyed Ali SohrabNejad^{2*}, Omidvar AliMahmoudi²

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Iz.C., Islamic Azad University, Izeh, Iran

2. Department of Persian Language and Literature, Iz.C., Islamic Azad University, Izeh, Iran

*Corresponding Author's Email: seyedali.sohrabnejhad@yahoo.com

Abstract

Committed literature, like a mirror, reflects the interaction and reciprocal influence between literature and society. Just as the Islamic Revolution gave rise to the literature of the Islamic Revolution, the eight years of resistance by the Iranian people also shaped and articulated Sacred Defense literature during the years of war. Accordingly, with the outbreak of the war, war fiction emerged as a distinct literary form. Therefore, the aim of this literary study is to compare, analyze, and examine the perspectives of the two authors under investigation on the basis of the structuralist components of Gérard Genette's narrative theory in the stories *Asir-e Zaman* and *Dashtban*. The study was conducted through documentary and library research using a descriptive-analytical method. The findings indicate that although the two novels were written in different spatial and geographical settings, both employ a realist mode of writing and are structured according to Gérard Genette's principal components of narrative structure, including order, duration, mood, and voice. Although differences can be observed in the two authors' perspectives and points of view, both ultimately adopt structural patterns centered on the concepts of war and Sacred Defense and focus on three major narrative-structural components: the prelude to war, the body or course of the war, and the consequences of war.

Keywords: *Fiction, Sacred Defense, Structuralism, Gérard Genette, Asir-e Zaman, Dashtban.*



How to cite: Asadpur, Z., SohrabNejad, S. A., & AliMahmoudi, O. (2027). Comparison and Analysis of the Narrative Structure of Sacred Defense Stories Based on Gérard Genette's Theory: With Emphasis on *Asir-e Zaman* and *Dashtban*. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 5(2), 1-20.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 03 May 2026

Revise Date: 26 September 2026

Accept Date: 04 October 2026

Initial Publish: 05 October 2026

Final Publish: 22 June 2027

مقدمه

در تاریخ همه ملت‌ها، اقوام و جامعه‌های بشری، رویارویی، ستیز و پدیده‌ای به نام «جنگ» همواره بوده و خواهد بود. در این جنگ‌ها و ستیزها، واژگانی چون: «مهاجم، مدافع، هجوم، دفاع، مظلوم، ظالم، کشته یا شهید، ویرانی، انتقام، آواره یا مهاجر» چهره نشان می‌دهند.

پیشینه داستان‌نویسی در ایران، به پیش از اسلام بازمی‌گردد؛ و در هزاره درخشان ادبی موجود تا روزگار ما، «داستان‌های منظوم و منثور چون شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، خسرو و شیرین، مثنوی و معنوی، ویس و رامین و منطق‌الطیر عطار و هزار و یک شب فراوانند؛ اما داستان‌نویسی، به شیوه و سبک جدید در ایران متأثر از غرب است و عمری کمتر از یک صد سال دارد» (1). یکی از شاخه‌های ادبیات داستانی، ادبیات داستانی جنگ است.

جنگ هشت‌ساله عراق، با ایران و پیامدهای آن، زمینه نگارش هزاران اثر شده است؛ که در این آثار، نویسندگان به موضوعاتی چون: تاریخ عملیات‌ها، گزارش رخدادها، جغرافیای جنگ، بازتاب‌های جهانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جنگ، نقش مردم، رسانه‌ها، فرماندهان، رزمندگان و سیاستمداران در طول جنگ و همه مسائل درون و بیرون آن پرداخته‌اند. بعد از شروع جنگ تحمیلی، ادبیات داستانی جنگ با دفاع مقدس ظهور می‌کند. محدوده بررسی در این پژوهش ادبی نیز دو رمان شاخص دفاع مقدس است؛ که به منظور تبیین ساختار روایی آن‌ها و نشان دادن سازوکارهای روایی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین، روایت از فعل یونانی «narrare» به معنای گزارش و نقل کردن می‌آید و با صفت «Gnarus» به معنای دانایی، در ارتباط است. در زبان انگلیسی معادل واژه «narrative» و در لغت به معنای بیان وقایع در داستان است. این کلمه در سایر فرهنگ‌های لغت به حکایت، داستان‌سرایی، شرح و قصه برگردان شده است. از آنجایی که در قصه و حکایت بیشتر با حوادث غیرواقعی سر و کار داریم، بهتر

است؛ «narrative» را معادل روایت در نظر بگیریم؛ چراکه اغلب با حوادثی واقعی در متن مواجهیم، که افراد به شیوه خاص خود، آن را نقل می‌کنند» (2). به عقیده میک بال «متن روایی متنی است، که عواملی روایتی را نقل می‌کند. داستان، یک فابویه است، که به شیوه‌ای معین ارائه می‌شود. فابویه رشته‌ای از رخدادهاست، که به‌طور منطقی و از نظر توالی زمانی به هم مربوط بوده و به دست کنشگران انجام می‌گیرد؛ و یا توسط آن‌ها تجربه می‌شود» (3). در این میان، روایت‌شناسی شاخه‌ای از «نشان‌شناسی است که می‌کوشد تا ساختار و مناسبات درونی نشانه‌ها را در متن باز یابد. پس، تحلیل سخن همچون دستور زبان متن اهمیت می‌یابد؛ و نخستین دسته‌بندی (سخن استدلالی، توصیفی، روایی و غیره) را موجب می‌شود» (4). هر داستان، از بیان حادثه‌ای آغاز می‌شود. «هر راوی، همواره ادراک خود را از داستان بیان می‌کند؛ و بر اساس این ادراک، پاره‌هایی از حادثه را برمی‌گزیند و پاره‌هایی را کنار می‌گذارد، یعنی؛ هر راوی، ناگزیر است؛ که ادراک مخاطب را «حد روشنگری داستان» بداند. باید گونه‌ای، دانش مشترک میان دو سویه راوی/مخاطب، وجود داشته باشد. داستان، همواره روایت سلسله‌ای از حوادث است؛ برای کسی، استوار به گونه‌ای، همدلی میان راوی و مخاطب. این همدلی در شکل داستان یافتنی است. در هرمنوتیک ادبی، این همدلی را مکالمه دو افق معنایی می‌نامند. در ساختارگرایی، اساس کار شکل روایت است؛ که بر پایه آن همدلی میان مخاطب و راوی ایجاد شده است» (4).

روایت، تنها عاملی است که ما را از رخدادهایی که بازگو می‌شوند؛ و هم از عملکردی که روایت از آن نشأت می‌گیرد، آگاه می‌سازد. بنابراین، «داستان (story) و کنش روایی، تنها از طریق روایت وجود دارد. متقابلاً، روایت یا گفتمان روایی، تنها تا وقتی می‌تواند روایت باشد، که یک داستان را شرح دهد، در غیر این صورت (مثلاً اخلاق اسپینوزا) این سخن، روایت نخواهد بود. تا زمانی می‌تواند گفتمان باشد، که توسط کسی بازگو شود؛ و در غیر این

صورت، (مثل مجموعه‌ای از اسناد باستان‌شناسی) این سخن، گفتمان نخواهد بود» (۵). روایت، گستره وسیعی از موضوعات ادبی را، در موارد متعددی، چون: روایت در حکایت، قصه، افسانه، داستان، حماسه، تراژدی، تاریخ و نمایشنامه نمود می‌یابد. «روایت را در همه‌جا و در همه جوامع بشری می‌توان یافت. در واقع مفهومی فراملیتی، فراتاریخی و فرافرهنگی، یعنی؛ حضوری بی‌واسطه دارد، مثل خود زندگی» (۶).

در این جستار ادبی نگارنده، سعی بر بررسی و کنکاش شیوه‌های روایت و روایتگری در دو رمان «اسیر زمان از اسماعیل فصیح و دشت‌بان از احمد دهقان»، برای مطالعه موردی دارند. تا تبیین و بررسی ساختارهای روایی این دو رمان بر اساس مؤلفه‌های نظریه ژرار ژنت صورت گیرد. و با عنایت به پرسش اصلی این تحقیق که: «چه الگوهای ساختار روایی بر دو داستان «اسیر زمان و دشت‌بان» حاکم است؟ فرض بر این است که: «الگوهای ساختار روایی متناسب با ادبیات دفاع مقدس» در این رمان‌ها به کار گرفته شده است که برای پاسخ به این پرسش، می‌بایست ابتدا موضوعات دیگری را روشن کرد.

فصیح (۱۳۱۳) و دهقان (۱۳۴۵)، در مقام دو تن از نویسندگان برجسته معاصر هستند که بخش اعظم تحولات سیاسی و اجتماعی مهم تاریخ معاصر ایران، از قبیل انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷) را می‌توان در رمان‌هایشان نقد و تحلیل کرد و به ذهنیت و ایدئولوژی نویسنده در قبال این رویدادها پی برد. نگارنده سعی دارد با ارائه چارچوبی آشکار و روشن جهان‌بینی دو نویسنده را در تبیین موقعیت تاریخی و سیاسی و اجتماعی که متن داستان بر اساس آن شکل گرفته است، کشف نماید و با استفاده از مؤلفه‌ها و نظرات ساختارگرایانه ژرار ژنت، ساختار زبان را در تولید متن و لایه‌های مختلف معنی بررسی و تبیین کند و نزدیک‌ترین مفهوم به رمان‌های مورد نظر را متناسب با دیدگاه نویسنده آثار بنمایاند، تا بتواند در بررسی و کشف جهان‌بینی‌ها و

لایه‌های معنایی داستان‌های دیگر نویسندگان معاصر آن را به کار برد.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه تحقیق در این جستار ادبی، با توجه به اینکه محدوده بررسی در این پژوهش ادبی، دو رمان «اسیر زمان و دشت‌بان»، است. به منظور تبیین، ساختار روایی آن‌ها و نشان دادن سازوکارهای روایی آثار مورد بررسی و آنچه که در مورد این آثار ادبی، در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نمایه شده است؛ موارد زیر را می‌توان ثبت و ضبط نمود:

الف) پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها: پایان‌نامه «بررسی ساختار روایی در خاطره‌نوشته‌های زنان از جنگ با تأکید بر «یکشنبه آخر» معصومه رامهرمرزی و «زیتون سرخ» ناهید یوسفیان» که در سال ۱۳۹۳ توسط مرجان مؤمن‌آبادی ارائه شده است. محقق در دو اثر «یکشنبه آخر» و «زیتون سرخ»، با رویکردی نو، عناصر داستان با خاطره و حضور مؤلفه‌های نوشتاری زنانه که در قالب زندگینامه قرار می‌گیرد. توانسته توجه خوانندگان و منتقدان بسیاری را به خود جلب کند. از سوی دیگر؛ پژوهشگر بیشتر بر عناصر داستانی (موضوع، شخصیت‌پردازی، زاویه دید، فضا، لحن و غیره) تأکید داشته است.

پایان‌نامه «نقد بوم‌گرایانه رمان‌های پایان‌ها، اندوه جنگ، پرسه در خاک غریبه، ریشه در اعماق» که در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه شاهد دفاع شده است. در این پایان‌نامه، پژوهشگر از منظر بوم‌گرایانه به نقد رمان‌هایی در حوزه ادبیات پایداری و جنگ پرداخته است. ایشان، در کنار وجوه چهارگانه پایداری، پایداری اکولوژیکی را در حفاظت از منابع طبیعی ارزشمند دانسته است.

پایان‌نامه «بررسی عناصر داستان در چهار رمان برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد» که در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه رازی دفاع شده است. پژوهشگر در این تحقیق ادبی از منظر عناصر داستان که دربرگیرنده پیرنگ، شخصیت و شخصیت‌پردازی، زاویه دید،

موضوع، درونمایه، صحنه و صحنه‌پردازی، فضا سازی، گفت‌وگو، حقیقت‌مانندی، نمادگرایی و لحن به پژوهش چهار رمان برگزیده دهه هشتاد با تأکید (بر پل معلق، نقشبندان، پرسه در خاک غریبه و بوفاری ۴) پرداخته است. محقق در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که نویسندگان دهه هشتاد برخلاف نویسندگان پیشین، رمان جنگ را محدود به صحنه جبهه و جنگ نکرده‌اند؛ و درونمایه‌های جدیدی چون تأثیر جنگ بر زندگی مردم را در آثار خویش مطرح نموده‌اند.

(ب) مقاله‌ها: مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای داستان پرسه در خاک غریبه» از منوچهر اکبری و عمران صادقی که در سال ۱۳۹۸ در نشریه ادبیات پایداری چاپ شده است. در این مقاله، از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای به رمان پرسه در خاک غریبه در سطح زبانی، به بررسی لایه‌های آوایی، واژگانی و نحوی داستان «پرسه در خاک غریبه» پرداخته شده است. دهقان، با بیانی جزئی‌نگرانه به دنبال بیان کردن حقایق و تلخی‌های جنگ است. همچنین، رگه‌هایی از طنز تلخ و نیش‌دار را با توجه به حوادث ناخوشایند، در رمان می‌توان دید. او دوست دارد، حقایق و تلخی‌های جنگ را با چاشنی طنز و طعنه به مخاطب نشان دهد.

مقاله «راوی نوجوان و شگردهای اعتمادپذیرکردن رویدادها در رمان دشتبان» از هیوا حسن‌پور، که در سال ۱۳۹۹ در نشریه ادبیات پارسی معاصر چاپ شده است. در این مقاله، به نحوه بازتاب راوی نوجوان و ارتباط آن با رویدادها در رمان دشتبان پرداخته شده است. پژوهشگر، از زبان راوی اول شخص گزارش می‌کند؛ و سعی دارد، تا فضا، مکان، وضع و حال مردم جنگ‌زده را نشان دهد. و در این راه، تمام تلاش خود را در اقناع راه، روایت‌شنو، به شیوه‌های مختلف به کار بسته است.

مقاله «نقد ساختارگرایی رمان دشتبان بر پایه نظریه کلود برمون» از طیبه فرهادی و همکاران که در سال ۱۳۹۹ در نشریه دهخدا چاپ شده است. در این مقاله، ساختار این رمان بر پایه نظریه کلود

برمون بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ که این رمان، منطبق بر نظریه مذکور بوده و از یک پی‌رفت اصلی و چندین پی‌رفت فرعی تشکیل شده، و انواع توالی‌های زنجیره‌ای، انضمامی و پیوندی در آن به کار رفته است. همچنین؛ هر سه کارکرد امکان، فرایند و پیامدی که در نظریه برمون مطرح شده است.

نگارنده، ضمن ارج نهادن به زحمات پژوهشگران این آثار، باید اذعان داشت: مقاله حاضر از نظر محتوایی با آن‌ها فرق دارد؛ تاکنون کسی در مورد «بررسی ساختار روایی داستان‌های دفاع مقدس (با تکیه بر اسیر زمان و دشتبان) از نظر ژرار ژنت» توجهی نداشته است؛ بنابراین، این پژوهش ادبی، بر آن است که با بهره‌گرفتن از پیشینه‌های موجود در این باره، کاری نو را بعد از تبیین و تشخیص وجوه اشتراک و افتراق مضمونی و محتوایی از نظر ژرار ژنت، را با مشخصه‌های متفاوت، ساختاری از دریچه تطبیق و مقایسه مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. که نوع بررسی، مقایسه و تحلیل برای اولین بار انجام می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای، در کتب داستانی اسیر زمان از اسماعیل فصیح و دشتبان از احمد دهقان را متناسب با مؤلفه‌هایی که از منتقد فرانسوی ژرار ژنت است؛ به صورت فیش، استخراج می‌شود. سپس اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق به شیوه بررسی مستقیم متون، و روش کتابخانه‌ای حاصل و یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند.

مبانی نظری پژوهش

ژرار ژنت (Gerard Genet): ژرار ژنت به سال (۱۹۳۰) در پاریس به دنیا آمد و در اکول نرمال سوپریور پرورش یافت. وی در ۱۹۵۴ در ادبیات کلاسیک درست معاصر ژاک دریدا و پی‌یر بوردیو، لیسانس گرفت. اندیشه‌های دریدا در مورد نوشتار به‌ویژه در نوشتارشناسی بر مقالات دهه ۱۹۶۰ ژنت در باب نقد ادبی و

نظریه ادبی تأثیر گذاشت. در مجموعه مقالات آغازین ژنت که در جلد اول «مجازها» 1966 (Figures) به چاپ رسیده است، اشاره‌هایی به مضامین بعدی او را می‌توان دید، برای مثال نقد روان‌شناسی‌گرایی. از جلد سوم مجازها (۱۹۷۲) به بعد مسئله حضور غیاب مؤلف راه را برای دلبستگی‌های اصلی ژنت باز می‌کند. یکی از این دلبستگی‌ها عبارت است از: تحلیل روایت که به انتشار گفتمان روایی نوین در ۱۹۳۸ می‌انجامد (۷). ژرار ژنت نظریه‌پرداز فرانسوی، متأثر از شکل‌گرایان روس، «قصه» را یکی از جنبه‌های روایت می‌داند و آن را ترتیب واقعی وقایع روایت ارزیابی می‌کند. نخست‌بار شکل‌گرایان روس روایت متشکل از دو سطح «طرح (plot)» و «داستان» معرفی کرده‌اند. ژنت، قصه را به جای طرح عنوان کرد. در این مفهوم طرح یا قصه برابر است، با آنچه ارسطو آن را حوادث تراژدی می‌دانست (۸).

روایت: «روایت» هر آن چیزی است که داستانی را بازگو کند یا نمایش دهد. محصول کلامی است که یک یا چند رخداد را نقل می‌کند (۵). نقل حوادث به این معناست که روایت‌ها در برهه‌ای و به صورت متوالی و پیوسته اتفاق می‌افتد (۹). در ساده‌ترین بیان، متنی است که داستانی را بازگو می‌کند و مخاطب و گوینده‌ای دارد. کلیه متون ادبی که دارای دو مشخصه روایت یعنی حضور قصه‌گو و وجود قصه است را می‌توان یک متن روایی دانست (۸).

روایت‌شناسی: واژه «روایت‌شناسی (Narratology)»، را اولین بار، تزوتان تودورف در کتاب «دستور زبان دکامرون» را با واژه فرانسوی (Narratologie) معرفی کرد. واژه روایت‌شناسی را به عنوان علم مطالعه قصه به‌کار می‌برد. او یادآور می‌شود؛ که مقصودش از این واژه معنای وسیع آن است و تنها به بررسی قصه، داستان و رمان محدود نیست و تمامی گونه‌های روایت را دربر می‌گیرد (۸). نخستین نظریه‌های روایت، از مکتب شکل‌گرایی روسی و ساختگرایی فرانسوی، نشأت گرفته است؛ که از پیشگامان

آن، می‌توان به پراپ (مشهورترین فرمالیست روسی)، آلبیرداس، گریماس و تودورف اشاره کرد. فرمالیست‌های روسی، اولین گروهی بودند؛ که روایت را در معنای ادبی آن، از طریق دلالت‌های زیباشناختی و معنایی مورد بررسی قرار دادند. گریماس، به روایت، نگاهی معناشناسانه دارد؛ و تودورف، روایت، را از نظر ساختار، شبه‌جمله می‌داند (۱۰).

داستان و مکان: داستان از دید ژنت، زنجیره‌ای از حوادث است که توسط راوی به خواننده انتقال می‌یابد. راوی در این زنجیره دخل و تصرف‌هایی می‌کند. زمان‌بندی را با توجه به این جابه‌جایی تنظیم می‌نماید. از این دیدگاه، داستان، مبدل به چگونگی عرصه حوادث داستانی می‌شود. علم نشانه‌شناسی، قصه را دال متن روایی و داستان را مدلول آن می‌داند. ژنت به آن روایت را می‌افزاید. روایت به این معنا، عملی است که در خود خلاصه را مدلول آن می‌داند. ژنت به آن روایت را می‌افزاید. روایت به این معنا، عملی است که در خود خلاصه می‌شود (۵). هر روایت در جایی اتفاق می‌افتد و در خواندن روایت‌ها می‌خواهیم بدانیم کجا هستیم، بنابراین هر روایت نیازمند مکان است. ژنت دید و نگاهی متفاوت به این موضوع دارد و از نظر او دو نوع مکان وجود دارد: مکان داستان و مکان متن.

بافت موقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی: از آنجا که محتوای هر اتفاق، خاطره و یا داستانی، متناسب با شرایط و وقایع سیاسی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به موضوع مورد بررسی، که بر ساختار روایی داستان‌های (اسیر زمان و دشت‌بان) با بن‌مایه جنگ و دفاع مقدس می‌باشند. پژوهشگر، سعی بر تشریح جریان و موقعیت‌های سیاسی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تحولات ادبی دوره‌های مختلف از سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۵۷ در راستای محتوای داستان‌های مورد بحث پیردازد.

دوره اول (۱۳۵۷-۱۳۴۲): سیاست‌های این دوره و ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی

در «پی اصلاحات ارضی و انقلاب سفید، مخالفت‌های مردم و روحانیون، شدت گرفت. در این سال‌ها، مخالفت‌های آیت‌الله بروجردی، با رژیم به اوج رسید. در پی تصویب قانون کاپیتولاسیون، اعتراض امام خمینی، به آن موجب شد؛ قیام‌های مردمی، شدتی بیشتر بگیرد. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در اوج این اعتراضات، با خشونت رژیم پهلوی، تظاهرات مردمی، به خاک و خون کشیده شد؛ و امام خمینی، دستگیر و سپس طی اعتراضات پی‌درپی بعدی و پس از آنکه، کوشش‌های رژیم دست‌نشانده پهلوی، در اعدام وی ناکام ماند. تبعید شد» (۱۱). استبداد و خشونت محمدرضا شاه، روزبه‌روز بیشتر می‌شد. با روی کار آمدن دولت کارتر، در آمریکا و ادعاهای آن دولت، در حمایت از حقوق بشر، شاه، مجبور شد. به ظاهر، به آزادی‌های سیاسی و فضای باز سیاسی هم بیندیشد. این اقدام دولت آمریکا در مجبور کردن شاه، به اعطای فضای باز سیاسی، بعدها، یکی از عوامل سرنگونی شاه شد» (۱۲).

در پی این تحولات، «روشنفکران و زندانیان سیاسی، آزاد شدند؛ و در مجلات و روزنامه‌ها، به انتقاد از رژیم پرداختند. سرانجام با توجه به کینه تاریخی و عمیق مردم ایران نسبت به رژیم پهلوی و ستم‌های آنان به مردم و در پی قیام‌های مردمی در سراسر کشور، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، امام خمینی به ایران بازگشت، و طی ده روز، پس از آن انقلاب اسلامی به پیروزی رسید؛ و حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی برچیده شد» (۱۱).

تحلیل دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی دوره (۱۳۴۲-۱۳۵۷) با تأکید بر تحولات ادبی

«محققان سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ را در ادبیات داستانی دوره اعتراض می‌نامند. اگرچه، این اعتراض، قبل از این دوره، هم در آثار ادبی نمایان بود؛ سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ با تشکیل کانون نویسندگان، به رهبری آل‌احمد و غلامحسین ساعدی و جمعی

دیگر از نویسندگان به منظور رویارویی با سیاست‌های رژیم پهلوی و دفاع از آزادی بیان و قلم بود» (۱۳).

گروهی از نویسندگان، با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی رژیم پهلوی، تمدن شهری و سرخوردگی روشنفکران و عصیان آنان، به شیوه رئالیسم اجتماعی، داستان‌هایی آفریدند. از مهم‌ترین؛ این رمان‌ها، می‌توان؛ به نفرین زمین از آل‌احمد، که بیانیه‌ای بر ضد اصطلاحات ارضی رژیم است، اشاره کرد. ادامه کار آل‌احمد، در آثار دولت‌آبادی، از جمله سفر و آوسنه باباسبجان (۱۳۴۳) دیده می‌شود. پای غول (۱۳۵۵)، نوشته ناصر شاهین‌پر، راجع به عوارض سوء ورود ماشین در بافت کشاورزی است. شبچراغ (۱۳۵۵)، نوشته جمال میرصادقی در توصیف خودباختگی روشنفکران است» (۱۳).

دوره دوم (۱۳۷۰-۱۳۵۷): تحولات سیاسی-اجتماعی عصر انقلاب اسلامی و دوران مقاومت

با «شکل‌گیری نهضت اسلامی، در سال‌های پایانی حکومت رژیم پیشین، تجاوز آشکار رژیم عراق به مرزهای ایران، جنگ تمام‌عیار میان دو کشور همسایه را سبب شد. جنگ، با دگرگونی ارزش‌ها، و به میدان کشاندن نیروهای ملی، و مردمی و تحریک عواطف میهنی و دینی، قاطبه مردم، قلمرو تازه‌ای، به روی ادب فارسی گشود. هشت سال، جنگ تمام‌عیار و انعکاس عواقب و نتایج نامطلوب آن، در دورترین نقاط کشور، فرهنگ تازه‌ای پدید آورد. در این میان، مقاومت مردم، و به‌ویژه سرسختی و ستیزی، که رهبری انقلاب در برابر گردنکشان و قدرتمندان و از آن جمله، رژیم عراق و حامیان عربی و غربی آن، از خود نشان داد؛ روح اعتراض و نگرش حماسی، را که با موجی از عرفان مثبت، در هم می‌آمیخت؛ در ادبیات فارسی، پدید آورد و بر زبان و محتوای آن به شدت اثر گذاشت» (۱۴).

۲-۴-۵- تحلیل دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی دوره (۱۳۷۰-۱۳۵۷) با تأکید بر تحولات ادبی

با شروع «جنگ تحمیلی، در فاصله‌ای اندک، داستان‌نویسی دفاع مقدس، نیز آغاز شد؛ نخستین داستان دفاع مقدس، با عنوان «سرباز»، از میثاق امیر فجر، در دوازدهم مهر ۱۳۵۹ در مجله سروش به چاپ رسید؛ یعنی؛ درست دوازده روز، پس از شروع حملات گسترده عراق. نخستین، کتاب داستان، نیز با عنوان: «خانه‌ای با عطر گل‌های سرخ» از اکبر سردو زامی در سال ۱۳۶۰ منتشر شد. در سال‌های نخستین دفاع مقدس، ادبیات داستانی واقع‌گرایانه بود و بر رشادت‌ها و مقاومت رزمندگان و مردم تکیه داشت. در این‌گونه داستان‌ها، چهره رزمندگان کاملاً آرمانی و قدسی و الهی و چهره دشمن، پست و زبون معرفی می‌شد. در داستان‌ها، گرایش به تیپ، بیشتر از شخصیت‌پردازی بود. در ادامه راه، توجه به تکنیک‌های داستان‌نویسی بیشتر شد؛ و نوع نگاه و نگرش، به جنگ تغییر یافت؛ که در آثار داستانی نیمه دوم دهه ۷۰ و سال‌های آغازین دهه ۸۰ این تغییر قابل رصد است. در مجموع، مضامینی چون: رشادت و ایثار، شهید و شهادت و اسارت، تضاد جبهه و فرهنگ شهر (نوستالژی جنگ): آسیب‌های اجتماعی - روانی، بمباران و موشک‌باران، موج‌گرفتگی، مسائل خانوادگی و خانواده‌های رزمندگان و ضد جنگ. در داستان‌های سال‌های دهه ۸۰ بیشتر دیده می‌شود» (۱). با توجه به مطالب فوق، در این جستار ادبی، پژوهشگر، با توجه به، محدوده موضوع، که تحت عنوان «مقایسه و تحلیل ساختار روایی داستان‌های دفاع مقدس (با تکیه بر دو داستان اسیر زمان و دشت‌بان) است؛ سعی در بررسی، کنکاش و تحلیل محتوایی، مضمونی و ساختار روایی با نظریه ژرار ژنت به شرح زیر بپردازد.

زندگینامه اسماعیل فصیح: اسماعیل فصیح، در ۲ اسفند سال ۱۳۱۳ در محله درخونگاه تهران، چشم به جهان گشود. پدر اسماعیل، ارباب حسن نام داشت؛ و از کاسبان مطرح محله چهارراه گلوبندک محسوب می‌شد. روزگار، از همان کودکی بر اسماعیل سخت گرفت و او در دو سالگی طعم تلخ یتیمی را چشید و ناچار شد.

تا باقی روزهای عمر خود را بدون نگاه نوازشگر پدر سپری کند. او در سال ۱۳۳۲، مدرک دیپلم خود را در رشته طبیعی، از همین مدرسه دریافت کرد. او در سال ۱۳۳۵ از ایران به ترکیه رفت، و بعد از آن راهی فرانسه شد؛ و در نهایت، خودش را به آمریکا رساند. بعد از برگشت به ایران، اسماعیل فصیح، کارش را در انتشارات فرانکلین شروع کرد، و کمی بعد به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمد؛ و در بخش آموزش، مشغول به کار شد. با شروع جنگ، فصیح، در ۴۷ سالگی، با مدرک استادیاری زبان انگلیسی، به روزهای بازنشستگی رسید؛ و بعد از آن، تمام وقت خود را به دنیای ادبیات اختصاص داد. فصیح، برای نوشتن آثارش، از بزرگان ادبیات ایران، مانند: محمدعلی جمال‌زاده، بزرگ علوی و احمد محمود، تأثیر گرفته است.

آثار فصیح، به‌طور کلی زبانی، ساده و روان دارند. او بیشتر آثار خود را در فضای شهری ترسیم می‌کند؛ و در آن‌ها، به تأثیر محیط و جبر جغرافیایی، اشاره‌هایی دارد. اشاره به حوادث تاریخی، سیاسی، اجتماعی، انقلاب، جنگ، مهاجرت و... از جمله موضوعاتی هستند؛ که در آثار وی دیده می‌شوند. وی، در نهایت در ۲۵ تیر سال ۱۳۸۸، به دلیل مشکلات عروق مغزی، چشم از جهان فروبست» (۱۵).

۲-۷- معرفی کتاب اسیر زمان: اسیر زمان، رمانی از اسماعیل فصیح، در ۱۳۷۳ منتشر شد. این داستان، متأثر است؛ از وقایع بعد از انقلاب، و از تحول فکری نویسنده، حکایت دارد. حوادث داستان، از زبان جلال آریان، که در اغلب رمان‌های فصیح، نقش راوی و در عین حال، یکی از قهرمانان، را داراست؛ به توصیف درمی‌آید. آریان، در مأموریتی آموزشی، عازم اهواز می‌شود، تا در هنرستان شرکت نفت، به تدریس بپردازد. در میان دانشجویان او، جوانی مستعد و کوشا، به نام علی ویسی، بیش از دیگران، مورد توجه وی قرار می‌گیرد؛ و به تدریج، روابطی دوستانه و صمیمانه، بین شاگرد و استاد برقرار می‌شود.

در همین، مناسبات دوستانه است؛ که آریان، از وقایع تلخ دوران طفولیت علی ویسی، و نیز تمایلات ضد رژیم شاهنشاهی و فعالیت‌های پنهان او، و جمعی از دانشجویان، که در عین ضدیت با شاه، دارای گرایش‌های گوناگون‌اند، مطلع می‌شود. حضور سروانی، ساواکی، به نام نفیسی، در اهواز، مسیر زندگی علی ویسی، را دچار تلاطم و دگرگونی می‌سازد. نفیسی، که مردی میانسال، پول‌پرست و خوش‌گذران و دارای زبان و رفتاری عامیانه و جلف است، از شهناز گنجوی‌پور که هم‌دوره علی ویسی و مورد علاقه اوست، تقاضای ازدواج می‌کند. اما، پس از دریافت پاسخ منفی، از شهناز گنجوی‌پور، در ارباب درمی‌آید؛ و با استفاده از مقام ساواکی خویش، هم پدر شهناز و هم علی ویسی را با اتهامات واهی، به زندان می‌اندازد.

سرانجام، انقلاب مردمی ایران، با مجاهدت‌های توده‌های مردم، و به‌خصوص، همکاری حیاتی کارکنان شرکت نفت در جنوب، به ثمر می‌رسد، و بساط رژیم طاغوت و ساواک و تشکیلات حکومت فاسد فرو می‌پاشد. سروان نفیسی، که با لباس مبدل زنانه سعی در فرار از آبادان دارد؛ به همت آریان، دستگیر، و به دست علی ویسی، که اکنون، از مهره‌های مهم تشکیلات انقلابی جنوب است، تحویل دادگاه انقلابی می‌شود. شهناز، که کاملاً دچار اختلال حواس و نسیان شده است؛ به بخش روانی بیمارستان آبادان، منتقل و مقدمات طلاق او، از نفیسی، با مساعدت آریان، فراهم می‌شود.

سرانجام، ازدواج علی ویسی با شهناز، و آریان با افسانه صورت می‌گیرد. اما، عمر روزهای آرامش و صفا و یکرنگی آن‌ها، با شروع جنگ تحمیلی، به پایان می‌رسد. در اولین بمباران‌های آبادان، افسانه شهید و شهناز مجروح به بیمارستان منتقل می‌شوند؛ و سرهنگ نفیسی، از زندان، متواری می‌گردد. شهناز، در بیمارستان، قربانی کینه و انتقام سرهنگ، می‌شود؛ و به دست او به قتل می‌رسد؛ و علی ویسی، جزو اسرای جنگی، به عراق، انتقال می‌یابد. پس از رهایی علی ویسی، از اسارت و جست‌وجوهای آریان، عاقبت محل

اختفا و هویت جدید سرهنگ نفیسی، آشکار می‌شود. علی ویسی در مواجهه با سرهنگ، تنها، به ابراز انزجار و شماتت و نواختن ضربه‌هایی به صورت او، اکتفا می‌کند؛ اما، زندگی پرنکبت نفیسی، همان شب، بر اثر سکنه قلبی به پایان می‌رسد» (16).

زندگینامه احمد دهقان: احمد دهقان، «یکی از داستان‌نویسان مطرح و پرکار دفاع مقدس است. دهقان، متولد ۱۳۴۵ در کرج و دارای فوق‌لیسانس مردم‌شناسی است. او، جبهه را از نزدیک زیسته و در نتیجه، توصیف و تصویر وی، از جبهه، واقعی و عینی است. از دهقان، کتاب‌هایی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان دفاع مقدس، چون: ستاره‌های شلمچه (خاطره)، مجموعه سه‌جلدی قصه فرماندهان (لحظه‌های اضطراب، زنده باد ایران، فرمانده من)، سفر به گرای ۲۷۰ درجه (رمان) ۱۳۷۵، ناگفته‌های جنگ، هجوم و من قاتل پسران هستم، (مجموعه داستان) ۱۳۸۳ و گردان چهار نفره ۱۳۷۵ و خاک و خاطره (درباره خاطره)، مأموریت تمام، لحظه‌های اضطراب، روزهای آخر، هجوم ۱۳۷۸، دشت‌بان ۱۳۸۸، پرسه در خاک غریبه ۱۳۸۸، بچه‌های کارون ۱۳۹۲ و جشن جنگ ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. در آثار داستانی دهقان، جبهه با همه واقعیت‌ها در بافتی تخیلی، توصیفی و پویا مطرح می‌شود. چندین اثر دهقان، به زبان‌های دیگر، ترجمه شده است. رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه از آن جمله است. این رمان، نخستین رمان احمد دهقان است. با توجه به موضوع پژوهش به معرفی کتاب «داستان دشتبان» و «پرسه در خاک غریبه» از این نویسنده پرداخته می‌شود» (17).

۲-۹- معرفی کتاب دشتبان: رمان دشتبان، یکی از آثار مطرح، در حوزه ادبیات کودک و نوجوان دفاع مقدس است که در سال ۱۳۸۷ از سوی انتشارات نیستان در ۱۶ فصل و ۲۴۳ صفحه به چاپ رسیده، و در سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس از میان ۴۱ اثر، رتبه دوم را کسب کرده است. ویژگی‌های ساختاری داستان و هنر روایت‌گری نویسنده، در خلق این رمان، باعث توجه ویژه پژوهشگران و منتقدان ادبی، به این اثر شده است.

زیر در سه طیف ساختاری مقدمه جنگ، بدنه جنگ و پیامدهای جنگ با بخش‌های متفاوت مورد نقد و بررسی قرار دهند.

تحلیل ساختار روایی داستان اسیر زمان و دشت‌بان بر اساس نظریه ژرار ژنت

زمان دستوری (Tense) در الگوی ژنت

آرایش و نظم رخدادها «در روایت از نظر «زمانی» است و در سایه ارتباطات گاهشمارانه داستان و متن روایی معنا و مفهوم می‌گیرد. در باور فلودرنیک (۱۹۹۶) استفاده از زمان دستوری می‌تواند «وضعیت حاکم بر جهان داستان و سیر تکوین این وضعیت را از منظری خاص» به روایت درآورد» (۵). توالی وقایع روایت در کتاب «اسیر زمان»، با توالی خطی رویدادها در زمان تقویمی همخوانی دارد. روایت طبق سیر منظم و به سامان پیش می‌رود و زمان‌پیشی در آن مشاهده نمی‌شود. از ابتدا تا انتهای متن روایی در قسمت‌های مختلف، راوی به زمان تاریخی رویدادها اشاره کرده است. به عنوان مثال: «امروز، این اولین پروازم در کشور افسانه‌ای گل و بلبل از تهران به اهواز است: دوم شهریور سال خداوندگاری یک‌هزار و سیصد و چهل و دو خورشیدی» (۱۹). نویسنده کتاب «دشت‌بان» در ارائه رویدادهای داستان، آرایش و توالی زمانی را رعایت کرده است ولی به این گونه نیست که نویسنده تاریخ دقیق اتفاقات داستان را در متن داستان ذکر کند؛ از متن کتاب متوجه می‌شویم که از یک صبح معمولی در آخرین روزهای تابستان داستان آغاز و در زمستان، وقتی که فرمانده آن‌ها را به پشت جبهه حرکت می‌دهد، پایان می‌یابد. با این وجود داستان طبق سیر زمانی مشخصی نوشته شده است (آغاز، میانه و پایان مشخصی دارد) و فاقد زمان‌پیشی است. در صفحات آغازین کتاب می‌خوانیم: «رودخانه در آخرین روزهای تابستان لاغر شده بود» (۲۰). ژرار ژنت مسئله زمان را وارد روایت‌شناسی کرد. «زمان» که نخستین عامل است. سه زیرمجموعه دارد: ۱) نظم و ترتیب ((Order, ۲) عامل تداوم روایت 3) (Duration) تکرار یا بسامد (Frequence) که

در آخرین روزهای تابستان، خانواده ناصر (راوی داستان)، در تبوتاب باز شدن مدرسه هستند. پدر ناصر، دشت‌بان است؛ و در باغی، در کنار رود الوند (در نزدیکی قصر شیرین)، زندگی می‌کند. جنگ، به آن‌ها، هجوم می‌آورد؛ و به یکباره، کوچ مردم شهر و روستا آغاز می‌شود. ناصر و خانواده‌اش، نیز به ناچار همراه می‌شوند. مردم شهر، پیاده از پیشروی دشمن می‌گریزند. اما، صبح روز بعد، دشمن، جاده را می‌بندد؛ و شکار آغاز می‌شود. ناصر و خانواده‌اش به یکی از دره‌های اطراف می‌گریزند؛ و در غاری مستقر می‌شوند. پدر ناصر، برای کمک به مردم شهر می‌رود، و ناصر، گلنار (خواهر)، مادر و پدر بزرگ می‌مانند. پس از چند روز، پدر زخم‌خورده باز می‌گردد. دشت‌بان، همچنان که، روایتگر مبارزه این خانواده است، داستان ماجراهای مختلفی را بازگو می‌کند. زمستان سر می‌رسد، و آن‌ها مجبورند، با طبیعت خشمگین هم‌مبارزه کنند. در گیرودار جنگ، و ترک منطقه، هموطنان بسیاری، توسط نیروهای عراق به اسارت درآمده، یا به شهادت می‌رسند... (۱۸). با توجه به مطالب فوق، در این جستار ادبی، پژوهشگر، با توجه به، محدوده موضوع، که تحت عنوان «ساختار روایی داستان‌های دفاع مقدس (با تکیه بر دو داستان اسیر زمان و دشت‌بان) است؛ سعی دارد در بررسی، کنکاش و تحلیل محتوایی، مضمونی و ساختار روایی با نظریه ژرار ژنت به شرح زیر بپردازد.

بحث و بررسی پژوهش

پژوهشگر در این جستار ادبی، با توجه به محدوده پژوهش؛ یعنی، محتوای داستان‌های اسیر زمان و دشت‌بان با تأکید بر الگوهای ساختار روایی ژرار ژنت، بر اساس سه مؤلفه اصلی که عبارت‌اند از: ۱) زمان دستوری (نظم و ترتیب، تداوم روایت) ۲) وجه/حالت صدا/لحن است که پژوهشگر سعی بر بررسی و کنکاش در محدوده دو داستان مشخص‌شده را در جملات و عباراتی که از نظر ساختاری با مؤلفه‌های ژرار ژنت مطابقت داشته باشند، به شرح

با دو مورد دیگر یعنی «وجه و حالت» و «لحن و صدا» پنج مفهوم مهم روایت‌شناسی را از دیدگاه ژنت تشکیل می‌دهد» (21). پژوهشگر با استناد به مؤلفه‌های ژرار ژنت به بررسی و کنکاش در ساختار روایی دو داستان اسیر زمان و دشت‌بان به شرح زیر می‌پردازد. در داستان اسیر زمان راوی به پیش‌نگاه درونی به استناد نمونه متن زیر توجه داشته است: در این مؤلفه راوی با توجه به اتفاقی که در ابتدای داستان افتاده است و داستان در اثر آن به وجود آمده و یا قرار است اتفاقی بیفتد در مؤلفه نظم و ترتیب ژرار ژنت اصطلاحاً «پیش‌نگاه درونی» قرار داده است.

آزادسازی مناطق مرزی: با پایان یافتن جنگ هشت‌ساله کشور ایران و عراق به مدد حملات نیروهای مدافع کشور به دشمن راوی آزادشدن مناطق مرزی را به خواننده نوید می‌دهد.

«با حملات ارتش و بسیج سپاه پاسداران دست ارتش عراق نخست از حصر آبادان و شهرهای دیگر بریده شده و به زودی خرمشهر و سایر شهرها و نقاط تسخیرشده مرزی آزاد می‌شوند» (19).

در داستان دشت‌بان راوی هم بر پس‌نگاه بیرونی و هم بر پیش‌نگاه بیرونی توجه داشته است. در واقع اگر ارجاع به گذشته، از محدوده زمانی داستان فراتر رفته باشد، یعنی به پیش از آغاز داستان بازگردد، به آن پس‌نگاه بیرونی می‌گوییم. آنچنان‌که در نمونه متن زیر به این مهم توجه شده است.

اسارت: راوی تحمل سختی‌ها را برای رسیدن به باور و اعتقادات خود برای خواننده روایت می‌کند.

«لشکر به قصر هجوم برد شیرین را به زنجیر کشیدند و آوردند وسط میدانگاهی آتش افروختند و شیرین را وسط آتش انداختند» (20).

تداوم (Duration): دومین رابطه‌ای که ژنت بررسی می‌کند؛ یعنی تداوم یا دیرش زمان به رابطه بین زمانی که یک رویداد در دنیای واقعی به درازا کشیده و زمانی که به واقع می‌کشد تا آن رویداد در دنیای روایی روایت شود، می‌پردازد. برای اجتناب از پیامدهای

فاجعه‌آمیز، مثل این‌که فیلمی داشته باشیم به بلندی تمام روز، روایت باید به رویدادها سرعت دهد. تداوم یا دیرش «برابر رویداد و روایت ممکن است گاه‌گاه تأثیرات غیرمنتظره و جذابی داشته باشد» (22). تداوم روایت، که نشان می‌دهد «کدام رخدادها یا کارکردهای داستان را می‌توان گسترش داد یا حذف کرد. منطق روایت در این مورد با صراحت و قدرت بیشتری آشکار می‌شود. تا حدودی می‌توان قاعده‌ها و ضابطه‌هایی را یافت که در چه مواردی داستان را با شرح دقیق و بیشتری باید آورد، کجا قصه‌گویی سرعت می‌گیرد و کجا آرام می‌شود. این قاعده‌ها به سنت‌های ادبی، ژانر خاصی که اثر در آن جای می‌گیرد و عناصر بسیار فرامتنی وابسته‌اند» (4). مؤلفه‌های مهم در بحث تداوم عبارت‌اند از تلخیص (summary)، همسانی، گسترده‌گی، فشردگی و درنگ است. در مبحث تلخیص تقسیمات و نمونه‌های زیر را در دو داستان اسیر زمان و دشت‌بان شاهد هستیم: الف: شتاب مثبت: که با توجه به آن نویسنده با استفاده از ابزارهای تلخیص، حذف و بسامد بازگو قسمتی از زمان داستان کوتاه می‌کند و به روایت سرعت می‌بخشد. نویسنده در نمونه متن زیر با کمک تلخیص قسمتی از زمان داستان از طریق مفهوم متن و علائم نوشتاری به روایت سرعت بخشیده است. در نمونه متن زیر از داستان اسیر زمان راوی وضعیت وخیم و آشفته بیمارستان مجروحین را با عبارات و افعال «شدیدتر شدن، برای من تنگ می‌شود» به‌نوعی پیروی از تلخیص الگوی ژنت در شتاب مثبت نشان می‌دهد.

حمله شهری: «وضع شهر به تدریج و با شدیدتر شدن جنگ و آوردن مجروحین و شهیدان بیشتر و بیشتر به بیمارستان نه تنها جا برای من تنگ می‌شود» (19).

وضعیت آوارگان: در نمونه متن زیر از داستان دشت‌بان راوی تصویر وضعیت آوارگان جنگ را با کمک الگوی تلخیص به‌طور غیرمستقیم برای خواننده روایت می‌کند.

جاده مسلسل‌ها با صدای شلاق‌وار و گوش‌خراش ول‌کن نبودند انگار که توی بازار مسگری گیر کرده باشیم از هر طرف صدا می‌آمد» (20).

وجه/ فاصله/ کانونی‌ساز/ کانونی‌شدگی

در زبان‌شناسی به صورت‌هایی از فعل اطلاق می‌شود که بیانگر میزان اطمینان‌گوینده از صدق گفته‌هایش، و نیز نماینده دیدگاه او نسبت به موضوع گفتمان باشند. ژنت وجه روایی را متشکل از دو مفهوم عمده می‌داند: نخست بازنمود روایی که به میزان بازنمود مستقیم یا غیرمستقیم داستان مربوط می‌شود، دو دیگر، منظری که داستان از آن به روایت درمی‌آید و ژنت آن را «کانونی‌سازی» می‌نامد. وجه روایت به فضا و عواطفی مربوط می‌شود. که راوی در متن پدید می‌آورد. فضا‌سازی برای تأثیرگذاری عاطفی بر خواننده و روایت‌شنو ایجاد می‌شود. این مفهوم، فاصله و کانونی‌شدگی (زاویه دید) و وجوه سه‌گانه متن (ادراکی، روان‌شناختی، ایدئولوژیک) را بررسی می‌کند» (23). فرهنگ‌نویس فرانسوی لیتره (۱۸۸۱-۱۸۰۱) در تعریف مقوله وجه روایی درست بر این قابلیت و چگونگی کاربرد آن معطوف است. «بازنمایی» روایی یا دقیق‌تر اطلاعات روایی از درجات خاص خود برخوردار است، روایت برای خواننده به‌طور مستقیم جزئیات بیشتر یا کمتری فراهم می‌کند، بنابراین از آنچه که نقل می‌کند فاصله کمتر یا بیشتری گرفته است و به فراخور قابلیت‌های دانشی هر یک از شرکت‌کنندگان داستان (شخصیت‌ها)، دید یا نقطه دیدی را برای روایت برمی‌گزیند و در این صورت روایت نسبت به داستان چشم‌انداز یا منظری می‌گیرد. «فاصله» و «چشم‌انداز» دو شیوه مهم ساماندهی اطلاعات روایی یا همان وجه است (23). آنچنان‌که نمونه‌های زیر از دو داستان شاهد بر این ادعا هستند:

اعلام حمله کشوری: در نمونه‌متن زیر از داستان اسیر زمان با کانونی‌گری ثابت و به استناد افعال مشخص‌شده در متن کانونی‌سازی سوم‌شخص مفرد یا دانای کل کانونی‌شدگی حملات

گسترده دشمن را در سطح کشور را به‌طور غیرمستقیم برای خواننده با وجه ادراکی شنیداری نقل و گزارش می‌کند.

«خمپاره‌ها و خمسه خمسه‌ها و موشک‌های عراق جنگ شدیدتر شده و روزه‌روز شدیدتر می‌شود و بنا به گفته‌های علی و دوستان ظاهراً تجاوز گسترده‌ای از شمال غرب ایران تا بندر خرمشهر و شمال آبادان به خاک ایران کشیده شده حیرت‌انگیز و غافلگیرانه و مثل روز روشن است که تحرک و پشتیبانی از آمریکا و روسیه است» (19).

وضعیت سنگرها: در متن‌های زیر از داستان دشتبان کانونی‌گر با کانونی‌سازی ثابت کانونی‌شدگی وضعیت و چگونگی سنگرها در زمان را با وجه ادراکی-دیداری به‌طور غیرمستقیم به خواننده گزارش می‌دهد.

«از میان گل‌های چسبناک راهم را کشیدم طرف یکی از سنگرهای پشت خاکریز سرک کشیدم تو یکیشان سقف سنگر را با کنده‌های گنده درخت پوشانده بودند و روی آن به اندازه یک کامیون خاک بود یکی از سربازها روی یک گونی پر از خاک کنار مسلسل نشسته بود خیلی دلم می‌خواست برای یک بار هم که شده مسلسل را ببینم رفتم تو سنگر عین هو همان گرم بود توی یک قوطی حلبی گل آتش ریخته بودند» (20).

لحن: شیوه پرداخت نویسنده نسبت به صدای گوینده‌ای که ممکن است طرز برخورد او را با موضوع و مخاطبش نشان بدهد، مثلاً تحقیرآمیز، نشاط‌آور، موقرانه، رسمی یا صمیمی باشد، همان‌طور که لحن نویسنده هم طرز برخورد اوست» (24). بر پایه آنچه که گفته شد می‌توان اذعان کرد که صدا حضور نویسنده در اثر است، حتی در آثاری که نویسنده راوی و گوینده نیست، باز می‌توان حضور او را در خلال اثر احساس کرد و این تأثیر بسیار بر خواننده دارد، چراکه هویت نویسنده را نشان می‌دهد» (25). بنابر آنچه که گفته شد، در حوزه لحن و صدا «راوی» و «روایت‌شنو» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راوی: در برخی از «مکاتب روایت‌شناسی از جمله مکتب پاریس به راوی «گفته‌پرداز» نیز گفته می‌شود. راوی اشکال گوناگونی دارد که عبارت‌اند از: راوی برون‌داستانی، درون‌داستانی و راوی نمایشی» (23).

راوی درون‌داستانی (Interdiegetic Narrator): این نوع از راوی را «راوی برون‌داستانی (شاعر یا نویسنده) وارد متن داستان می‌کند و پس از راوی برون‌داستانی عمل روایتگری را بر عهده می‌گیرد و شخصیت‌ها و راویان دیگر را در عمل روایت مشارکت می‌دهد. راوی درون‌داستانی (کنشگر)، هم به عنوان شخصیت حضور دارد و هم راوی متن است» (23).

اخبار اسرا: در متن زیر از داستان اسیر زمان راوی به روایت وضعیت ایران و مناطق جنگی به‌خصوص شهر آبادان در کنار حضور خود به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان به استناد جملات مشخص‌شده در متن با لحنی رسمی-خبری می‌پردازد که در واقع طبق نظریه ژنت نویسنده از الگوی راوی درون‌داستانی پیروی کرده است.

«من ضمناً از روزنامه‌های یومیه فارسی هم که به پاریس می‌رسد اخبار واقعی جنگ و تعداد کشته‌ها و مجروحین تصاویر بچه‌هایی را که در بمباران کشته شده‌اند یا گروه‌گروه اسیرشدگان را تعقیب می‌کنم.... گرچه هیچ‌جا خبری از آزادی یا تبادل اسرا نیست» (19). در نمونه متن زیر ناصر (راوی و شخصیت داستان) وضعیت بمباران را با لحنی هراسان برای خواننده روایت می‌کند.

«طرف‌های ظهر بود هنوز دامب و دومب ترکیدن توپ‌ها و ترتر مسلسل‌های سنگین از طرف جاده می‌آمد همان‌جا کنار صخره نشسته بودیم گاهی دود و آتش‌سوزی مزارع پایین‌دست را تماشا می‌کردیم» (20).

روایت‌شنو: روایت‌شنو شخصی (اشخاصی) است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن مورد خطاب قرار می‌گیرد و روایت برای او بازگو می‌شود، بنابراین صرفاً خواننده نیست. گاهی

روایت‌شنو تمام و کمال جاندار است و گاهی هم بی‌جان. به هر حال روایت‌شنو مخاطب راوی است و تمام معیارهایی که برای طبقه‌بندی راوی انجام می‌گیرد، درباره روایت‌شنو مصداق دارد» (9). در کتاب لوسبرگ نمونه‌هایی از روایت‌شنو گردآوری شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم: «وضوح، التفات، مستقیماً خطاب قرار دادن مخاطب و حذف به قرینه» (26). پژوهشگر در نمونه زیر در قسمت روایت‌شنو با بخش وضوح که از داستان اسیر زمان استخراج شده است به تجزیه و تحلیل در این زمینه به شرح زیر پرداخته است: ابتدائاً باید گفت که: وضوح (evidentia): روایت واضح و روشن در نتیجه تبدیل مخاطب به شاهد عینی وقایع ذکر شده است» (26).

روایت امدادگری غیرتمندانه: در متن زیر از داستان اسیر زمان راوی با ذکر نام اشخاص به‌طور واضح امدادگری غیرتمندانه آن‌ها را برای دفاع از حریم کشور ایران روایت می‌کند. در واقع در داستان خود راوی مخاطب را به عنوان شاهد عینی از وقایع جنگ فرض می‌گیرد.

«باتمانقلیچ فرماندار. شریعتی شهید. حقیقی شهید. اکبری شهردار. جعفری کفالت استانداری. غریبی سرپرست سوخت‌رسانی. بخشی سرپرستی تدارک اسلحه. مدنی‌زادگان با یک کاتیوشا روی پاترول و تبادل خمپاره در جنوب باورده. و البته علی ویسی مسئول تدارک غذا و لباس و نقل و انتقال مجروحین.... جلال آریان هم در بیمارستان مجروحین را حمل و نقل می‌کند» (19).

راوی در متن زیر از داستان دشتبان روایت‌شنو را به عنوان شاهدهی بر فضای جنگی و بمباران بی‌امان دشمن می‌گیرد.

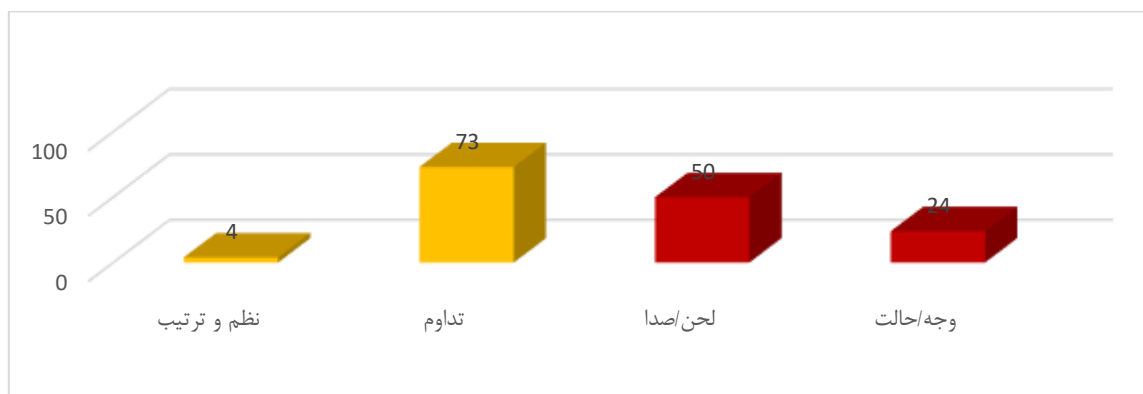
«از پشت کوه‌ها صدای تق و توق تیر بلند شد بعد صدای غرش خفه توپ آمد. نفس توی سینه‌ها حبس شد. پشت سرش، مسلسلی با آهنگ کُند و یکنواخت درست مثل چرخ خیاطی تق تق کرد تا تا تا تا !!!!!!! - محل نگذارید... آهای، چرا پا کند کردی؟ پشت‌سری‌ها ماندند، راه بیا. آن سوی دره - این بار از راهی

نزدیک‌تر - مسلسل‌ی با صدایی شلاق‌وار و گوش‌خراش نواخت و با تیرهای سرخ، بالای کوه را به هم دوخت..... مسلسل با آن صدای چندش‌آورش چند بار دیگر ورور کرد و بعد خاموش شد» (20).

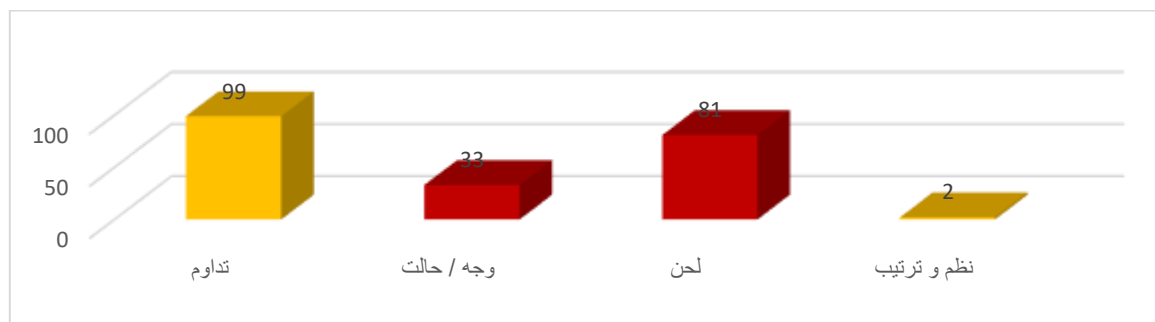
نتیجه‌گیری

طبق بررسی به عمل آمده، در این جستار ادبی اسماعیل فصیح در رمان اسیر زمان و احمد دهقان در رمان دشت‌بان با اندیشه و روشی منسجم و ساختارمند از قواعد رئالیسم که منوط به تشریح نمودن جزئیات، توجه به حوادث کوچک و از راوی سوم‌شخص استفاده کردن همچنین افراد عادی قهرمان داستان بودن و از همه مهم‌تر این دو نویسنده به تاریخ و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده‌اند توجه داشته و هنرمندانه این موضوع را در آثار خود به کار برده‌اند. از سوی دیگر با توجه به اینکه هر دو رمان در فضای کاملاً متفاوت

نوشته شده‌اند اما هر دو نویسنده از پنج مؤلفه ساختارگرایی ژرار ژنت ژنت یعنی نظم و ترتیب، تداوم روایت، وجه/فاصله/کانونی‌شدگی و لحن/ صدا توجه داشته‌اند. از طرف دیگر تفاوت‌هایی در نگاه و زاویه دید هر دو نویسنده دیده شده است که هر دو داستان دارای طبقاتی با طیف گستردگی و تحلیل نمونه‌های به‌دست‌آمده‌اند. اما در نهایت هر دو نویسنده از نظر الگوی ساختاری در راستای مفاهیم جنگ و دفاع مقدس بر محوریت سه مؤلفه ساختار روایی مقدمه جنگ، بدنه جنگ و پیامدهای جنگ تمرکز داشته‌اند. که در این سه طبقه به ترتیب از بخش‌های اخبار آگاهی‌دهنده و هشداردهنده و پیامدهای امنیت‌دهنده و تخریب‌کننده با مفاهیم: امدادسانی، تعیین تکلیف‌ها، حملات، شکایات، مدافعین و تبادلات استفاده شده است.



نمودار ۱. مؤلفه‌های ساختارگرایی داستان اسیر زمان طبق نظریه ژرار ژنت



نمودار ۲. مؤلفه‌های ساختارگرایی داستان دشت‌بان طبق نظریه ژرار ژنت

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Sacred Defense literature constitutes one of the most significant branches of contemporary Iranian war literature and emerged directly from the political, social, cultural, and historical circumstances produced by the Iran–Iraq War. As a form of committed literature, it reflects the reciprocal relationship between literature and society and provides a narrative space in which collective memory, national identity, resistance, displacement, martyrdom, captivity, destruction, and the social consequences of war are represented and interpreted. The development of modern Persian fiction itself was influenced by both indigenous literary traditions and modern Western narrative forms, while the experience of revolution and war gave rise to new thematic and structural tendencies in contemporary fiction. In this context, Sacred Defense fiction moved from early documentary and idealized depictions of the battlefield toward more technically elaborate, psychologically complex, and structurally sophisticated forms of narration (1, 14). Narrative studies provide a suitable theoretical framework for examining such works because narrative is not merely a sequence of events, but a structured mode of organizing experience through temporal arrangement, perspective, voice, and discourse. Narratology, as a branch of structuralist and semiotic inquiry, focuses on

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

the internal organization of narrative texts and the relationships among story, discourse, narrator, narratee, temporal order, duration, focalization, and voice (4, 10). Gérard Genette's theory is particularly important in this regard because it offers a systematic framework for analyzing the relationship between story and discourse and for identifying the formal mechanisms through which narrative meaning is produced (5). The present study therefore compares and analyzes the narrative structures of two important Sacred Defense novels, *Asir-e Zaman* by Esmail Fasih and *Dashtban* by Ahmad Dehghan, with particular emphasis on Genette's narratological components. Although the two works differ in historical context, narrative atmosphere, characterization, and point of view, both are deeply connected to the social reality of war and both employ realist strategies in representing the political and human consequences of conflict.

The theoretical foundation of the study is based primarily on Genette's structuralist narratology, according to which narrative can be analyzed through several interrelated dimensions, especially tense, mood, and voice. Within the category of tense, Genette distinguishes order, duration, and frequency, thereby making it possible to examine the relationship between chronological events and

their representation in narrative discourse (5, 27). Order concerns the relationship between the sequence of events in the story and their arrangement in the narrative, including analepsis and prolepsis; duration concerns the relative speed or slowness of narration and the use of summary, scene, pause, and ellipsis; and frequency concerns the number of times an event occurs in relation to the number of times it is narrated. Genette's concept of mood is closely associated with distance and focalization, especially the degree to which narrative information is mediated, restricted, or presented from a particular perceptual or ideological position. Focalization determines who sees, while voice concerns who speaks and how the narrator is positioned in relation to the story. These concepts are closely related to broader narratological discussions of narrator, narratee, point of view, and narrative mediation (9, 23, 26). In addition, structuralist approaches emphasize that narrative meaning is generated through relationships among formal elements rather than through isolated content alone (6, 22, 28). Accordingly, the present research does not merely summarize the content of the two novels, but investigates how their narrative structures organize war experience, how temporality is managed, how narratorial distance is established, how focalization directs the reader's access to events, and how voice contributes to the ideological and emotional representation of Sacred Defense.

The study was conducted through a descriptive-analytical method based on documentary and library research. The primary sources were Esmail Fasih's *Asir-e Zaman* and Ahmad Dehghan's *Dashtban*, while relevant theoretical and critical works in narratology, structuralism, Sacred Defense literature, and contemporary Persian fiction were used as secondary sources. *Asir-e Zaman* is a socially and politically oriented novel in which historical developments before and after the Islamic Revolution and during the Iran–Iraq War are narrated through the experiences of Jalal Arian and other characters. The novel combines personal memory, political transformation, social conflict, captivity, revolution, and war, and its narrative world is strongly connected to the historical realities of southern Iran (16, 19). By contrast, *Dashtban* presents the war through the perspective of a young narrator whose family is suddenly displaced by the Iraqi invasion. The novel focuses on forced migration, insecurity, bombardment, survival, family cohesion, and civilian suffering, and it has been recognized for its use of an adolescent narrator and its strategies for rendering wartime events believable and emotionally immediate (17, 20). Previous studies of Sacred Defense fiction have generally focused on stylistics, characterization, ecological criticism, thematic analysis, and story elements (18, 29-32). However, a comparative examination of these two novels specifically through Genette's

narrative framework has received less attention. The present study therefore seeks to fill this gap by identifying the dominant narrative patterns in both works and by comparing their structural similarities and differences in relation to the representation of war.

The findings concerning tense and temporal organization indicate that both novels generally follow a coherent chronological trajectory, although they differ in the degree and manner of temporal manipulation. In *Asir-e Zaman*, the sequence of narrated events is largely compatible with historical chronology, and the narrator frequently anchors the narrative in specific social and political moments. The novel's temporal progression is generally linear, but it also includes anticipatory and retrospective references that serve to connect private experience with larger historical developments. In *Dashtban*, the temporal structure is also relatively linear, beginning in the final days of summer and moving toward winter, while the narrative progression closely follows the family's experience of displacement, fear, and survival. Genette's concept of duration is particularly useful in explaining how both novels alternate among summary, scene, descriptive pause, and accelerated narration. In *Asir-e Zaman*, rapid narrative movement is often achieved through summary, especially when political developments, military attacks, and broader social transformations are condensed into relatively brief passages. In *Dashtban*,

summary is similarly used to represent the general condition of refugees, displacement, and collective hardship, whereas scenes of dialogue, injury, bombardment, and confrontation slow down the narrative and create immediacy. Descriptive passages in both novels reduce narrative speed and direct attention toward sensory and material details of the war environment. Such passages are especially important in representing bombardment, military equipment, ruined landscapes, bodily suffering, and civilian fear. These techniques demonstrate that narrative duration is not merely a formal device but also an important means of directing the reader's emotional and cognitive attention toward particular aspects of war experience (4, 21, 22).

The analysis of mood, focalization, voice, narrator, and narratee further reveals significant similarities and differences between the two novels. In *Asir-e Zaman*, narrative information is often mediated through a narrator who is also involved in the events, producing a form of intradiegetic narration in which the narrator functions simultaneously as participant and observer. This structure allows the novel to combine personal testimony with broader historical commentary and to move between individual and collective perspectives. The tone frequently becomes formal, reportorial, and reflective, especially when the narrator discusses political events, military developments, prisoners, casualties, and revolutionary change. In *Dashtban*, the

use of a young first-person narrator creates a more restricted and immediate focalization. The war is experienced through the narrator's limited perception, and the reader encounters the surrounding violence through sensory impressions, fear, confusion, observation, and fragmented understanding. This strategy increases the emotional intensity of the narrative and contributes to the credibility of the adolescent perspective (17). Genette's concept of focalization makes it possible to distinguish between the source of perception and the source of narration, while the concept of voice clarifies the narrator's position in relation to the narrated events (5, 23). Both novels also construct a narratee, either explicitly or implicitly, through techniques of direct explanation, evidentiary detail, and the presentation of scenes in a manner that turns the reader into a witness to wartime experience. In this respect, the narratives do not simply recount events but actively organize the reader's relationship to those events, producing varying degrees of proximity, distance, identification, and judgment (9, 26). Despite their different narratorial positions, both works thus employ narrative voice and focalization to transform historical events into structured, emotionally charged representations of Sacred Defense.

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that *Asir-e Zaman* and *Dashtban*, despite differences in narrative perspective, setting, characterization, and stylistic emphasis, share a coherent structural

orientation toward the representation of war and Sacred Defense. Both works employ realist narrative strategies and organize their narratives through temporal order, duration, focalization, and voice in ways that correspond closely to the main categories of Genette's narratology. Their most significant structural similarity lies in the organization of wartime experience around three broad narrative phases: the prelude to war, the main body of war, and the consequences of war. Within these phases, the novels depict warning signs, military attacks, displacement, rescue, defense, captivity, destruction, and postwar consequences through different narrative techniques. *Asir-e Zaman* adopts a broader historical and political perspective and combines personal experience with social transformation, whereas *Dashtban* presents war through a more immediate, restricted, and experiential perspective centered on civilian vulnerability and family survival. The findings therefore show that Genette's narratological framework provides an effective analytical model for identifying both the shared structural patterns and the distinctive narrative strategies of Sacred Defense fiction. The comparison also confirms that narrative form plays a decisive role in shaping the ideological, emotional, and historical representation of war, because the meaning of Sacred Defense is produced not only through what is narrated but also through the order, duration, perspective, and voice through which events are presented to the reader.

References

1. Sangari MR. Sacred Defense Literature: Theoretical Discussions and an Overview of Literary Genres. 1st ed. Tehran: Sarir; 2010.
2. Sabz Ali Sanjabi B. A Look at the Theory of Narrative: The Story of a Meaningful and Continuous Life. Development of School Counselor Training. 2007;3(9).
3. Berger AA. Narratives in Popular Culture, Media, and Everyday Life. Lirawi MR, editor. Tehran: Soroush; 2001.
4. Ahmadi B. Structure and Interpretation in the Text. 14th ed. Tehran: Markaz; 2012.
5. Genette G. Narrative Discourse: An Essay in Method. Zavarian M, editor. Tehran: SAMT; 2019.
6. Barthes R. An Introduction to the Structural Analysis of Narratives. 1st ed. Ragheb M, editor. Tehran: Saba Publications; 2008.
7. Lechte J. Fifty Key Contemporary Thinkers: From Structuralism to Postmodernity. 2nd ed. Hakimi M, editor. Tehran: Khojasteh; 1999.
8. Akhut A. Story Grammar. Tehran: Nashr-e Farda; 1992.
9. Rimmon-Kenan S. Narrative Fiction: Contemporary Poetics. 1st ed. Harri A, editor. Tehran: Niloufar; 2008.
10. Afkhami A, Alavi SF. Linguistics of Narrative. Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran. 2003(165):55-75.
11. Maqsoodi M. Iran's Political-Social Developments (1941-1979). 1st ed. Tehran: Rozaneh; 2001.
12. Behnoud M. From Seyed Zia to Bakhtiar. 3rd ed. Tehran: Javidan; 1987.
13. Mirabedini H. One Hundred Years of Iranian Story Writing. 15th ed. Tehran: Cheshmeh; 1998.
14. Yahaghi MJ. The Stream of Moments: Contemporary Iranian Literary Currents. 16th ed. Tehran: Jami; 2017.
15. Badie MA. A Look at the Life of Esmail Fasih 2006.
16. Ojakians A. Criticism of the Book Asir Zaman. Tehran: Soroush; 2020.
17. Hasanpour H. The Adolescent Narrator and Methods of Making Events Believable in the Novel Dashtban. Contemporary Persian Literature Journal. 2020(1):115-30.
18. Razzaghi AR. Stylistic Analysis of Three Sacred Defense Novels [Master's thesis]: Semnan University; 2016.
19. Fasih E. Asir Zaman. 9th ed. Tehran: Asim Publishing; 1994.
20. Dehghan A. Dashtban. 5th ed. Tehran: Ketab-e Neyestan; 2008.
21. Yaqoubi Bayram Boden F. Analysis of Intellectual Themes in the Novel Shade of the Locust by Mohammad Reza Bayrami [Master's thesis]: Ardabil Research University; 2016.
22. Bertens JW. Literary Theory. 2nd ed. Tehran: Avaz-e Digar; 2008.
23. Haji Aghababai MR. Narratology: Theory and Application. Tehran: Mehrandish; 2019.
24. Mirsadeghi J. Elements of Fiction. Tehran: Sokhan; 2000.
25. Shamisa C. General Principles of Stylistics. Tehran: Mitra; 1999.
26. Ragheb M. Encyclopedia of Narratology. Tehran: Elm; 2012.
27. Genette G. Analysis and Criticism of Linguistics. Asadollahi Tajraj AS, editor. Tehran: Sokhan; 2013.
28. Bertens JW. Basics of Literary Theory. Abol Qasemi MR, editor. Tehran: Mahi; 2008.
29. Akbari M, Sadeghi I. Layered Stylistics of the Tale of Wandering in a Strange Land. Journal of Sustainable Literature. 2019(21):27-54.
30. Dost Salimi S. Analysis of Story Elements in Four Prominent Novels of the 1980s [Master's thesis]: Razi University; 2015.
31. Qalipour R. Economic Criticism of the Novels Endings, The Sorrow of War, Roaming in a Strange Land, and Roots in the Depths [Master's thesis]: Shahed University; 2015.
32. Momenabadi M. Investigating the Narrative Structure in Women's Memories of the War with Emphasis on Last Sunday by Masoumeh Ramhormzi and Zeytun-e Sorkh by Nahid Yusefian [Master's thesis]: Semnan University; 2014.